

## نقش‌ها در برنامه خروج شاهنشاه از کشور

(بمناسبت سالگرد ۲۶ دیماه)

امیر فیض - حقوقدان

روز ۲۶ دیماه ۵۷ روز سیاهی است. روزی است که شاهنشاه، ایران را ترک گفتند. روزی است که باخروج شاهنشاه از کشور روشنائی تبدیل به ظلمات شد و صدای فروریختن ایران را بسیاری بادیده عقل و بصیرت شنیدند. این صدا قلبها را تکانید و اشک دلهای پرازمهر به ایران و شاه را جاری ساخت و دشمنان ایران را دلشاد و استعمار را بوجد کشید.

شاهنشاه بهنگام ترک کشور، قلبش گریست و اشک درد از حق ناسپاسی مردمی که برای سعادت آنان بسیار کوشیده بود، در چشمانش حلقه زد.

در جنگ نامرئی سختی که شاهنشاه ایران برای شکستن حریم عقب ماندگی ایرانیان و ایران آغاز کرده بود، گذر گاههای بس دشواری در پیش داشت که هریک از آنها بشدت از منافع اقتصادی و سیاسی کشورهای استعماری پاسداری میکردند، گذر گاههایی که استعمار، قرن‌ها با حمایت و حفاظت قاطع خود از آنها، باب تعالی و ترقی ملت ایران را بکل مسدود ساخته بود.

ایران از دیدگاههای کشورهای صنعتی جهان خاصه انگلستان، نمیتوانست چنان باشد که شاهنشاه ایران میخواست بلکه باید چنین می بود که امروز هست و یکصد سال دوران سلطنت قاجار بود. لامحاله، غرب را بفرانداخت تاراهی بیاندیشد و ایران متحرک رابه توقف بکشاند. در این اندیشه سیاه، تاریخ به او درسی آموخته بود که شاه قوه محرکه ملت ایران است، سری بریدن ملت، که خالقیت نظم، عدالت و امنیت و بهروزی آراسته از قدرت سنتی و کرامت ملی اوست، و پایداری ملت در مصائب و تمرکز تلاشهای سازنده، به همت و علمداری شاه استوار است.

این درسها که تاریخ نویسان ما داده اند اگر برای ملت ما آموزنده نبوده نیست، برای بیگانه ای که قصد تاراج کشور ما را داشت، آموزنده و پربار بود و هست و چنانکه میدانیم بیگانه آنرا باکمال دقت بکار بست و زیربنای توطئه عظیم خود را بر بی احترامی به شاهنشاه و توجه اتهامات پایه گذاری کرد. زیرا از نظر روانی خوب میدانست که اگر حرمت دیرینه به شاه که جزئی از خون و تربیت و فرهنگ ملی ماست شکسته شود، آنوقت زمینه های مساعد برای رشد بی مهوری به شاه و در نهایت امکان نضج توطئه آنها فراهم خواهد شد.

### نکته های هماهنگ در برنامه خروج شاهنشاه از کشور

از اسناد و مدارک منتشره در رابطه باشورش ۵۷ و خروج شاهنشاه از کشور اینطور استنباط میشود که همکاری مشترک آمریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان تنها در حد ایجاد زمینه های مساعد برای خروج شاهنشاه از کشور بوده است ولی اسنادی که بخش کوچکی از آنرا این تحریرارانه میدهد، لزوم تجدید نظر در آن برداشت را فراهم میسازد و نشان میدهد که توافق آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان ماموریت اجرای طرح خروج شاهنشاه را از کشور برعهده انگلستان قرارداد اکنون، به معلوماتی که بر این برداشت، صحه اثبات میگذارد رابه اتفاق نگاه میکنیم.

### معلوم اول :

بیانات شاهنشاه در کتاب پاسخ به تاریخ در باب چگونگی نخست وزیری آقای بختیار است:

«با بی میلی و تحت فشار خارجی موافقت کردم بختیار رابه نخست وزیری منصوب کنم. همیشه بختیار را راطرفدار سیاست انگلستان و عامل شرکت نفت میدانستم. زیربنای او استحکام سیاسی لازم رانداشت ..... در این موقع <جرج براون> که

زمانی وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس بود و از دوستان قدیمی من بود به دیدار من آمد، لرد براون، در حالیکه دست مراد دست خود داشت، التماس میکرد کشور را ترک و سپس قاطعانه بختیار را تانید کرد.»

### معلوم دوم :

اکنون به بینیم لرد جرج براون کیست؟ نقش و سابقه فعالیت ساسی او چه بوده است؟ ما از این سوابق آن شخص هیچ اطلاعی نداشتیم تا کتاب درآئینه ۳۷ روز بختیار که از انتشارات نهضت مقاومت وابسته به بختیار است انتشار یافت.

کتاب مزبور در صفحه ۳۱ بنقل از اطلاعات سه شنبه ۱۹ دیماه سال ۵۷ زیر تیتر درشت >طراح کودتای مصر به ایران آمد < نوشت

تلویزیون لندن در برنامه دیشب خود که بیدرنگ توسط یک بیننده ایرانی به تهران تلفن شد اعلام کرد:

>لرد جرج براون وزیر خارجه اسبق انگلستان، مذاکرات محرمانه ای را با مقامات ایران آغاز کرد وی که به اعتقاد خودش، خالی از تجارب عمیق در مبارزات و شورشهای داخلی نیست نظریاتی تسلیم دولت ایران خواهد کرد.

### معلوم سوم :

این معلوم که بسیار حائز اهمیت است نیز توسط همان کتاب > درآئینه ۳۷ روز < بختیار انتشار یافت و ما از آن مطلع شدیم

کتاب مزبور در صفحه ۶۶ بنقل از روزنامه اطلاعات شماره ۲۵ دیماه سال ۵۷ خبر ادیو لندن را با عبارت زیر منتشر ساخت

بختیار باید تضمین کند که شاه برود و باز نگردد.

### معلومات تبعی

از معلومات بالا، معلومات تبعی دیگری بدست میاید که استفاده از آن نتیجه گیری این تحریر و معلومات اصلی را محکم میسازد

### معلوم تبعی اول :

لرد جرج براون وزیر خارجه سابق انگلستان، وابسته به حزب کارگر، یعنی همان حزبی بوده که در سال ۵۷ دولت انگلستان را تشکیل داده بود. بنابراین ماموریت جرج براون نمیتوانسته خارج از سیاست انگلستان نسبت به ایران باشد.

### معلوم تبعی دوم :

لرد براون، درست هنگام پیشنهاد نخست وزیری آقای بختیار، از طرف مقدم، بتهران وارد شده است، بنابراین ورود او بتهران یک امر اتفاقی نبوده بلکه برای انجام ماموریتی بوده که انجام آن ماموریت، مسلماً در جهت سیاست دولت انگلستان نسبت به ایران، خاصه مسئله ترک کشور از سوی شاهنشاه بوده است.

### معلوم تبعی سوم :

شاه، از بختیار بعنوان یک عامل انگلیس یاد کرده و لرد براون با قاطعیت تمام بختیار را برای نخست وزیری به شاه توصیه نموده است.

**معلوم تبعی چهارم :**

بختیار، شرط قبول نخست وزیری خودراخروج شاهنشاه ازکشورگذاشته بود.

**معلوم تبعی پنجم :**

لرد براون بادولت بختیارمذاکره کرده است نتیجه مذاکرات درجائی ثبت نیست ولی مسلما درمورد خروج شاهنشاه از کشور وتامین منافع انگلستان بوده است.

**معلوم تبعی ششم :**

بختیارذاتا باسلسله پهلوی مخالف وبنابه گزارش مامورین سفارت آمریکا که بابختیار مکرردرتماس بوده اند >بختیار تقریبا بطور حتم، درپی بهره برداری ازهرگونه فرصتی خواهد بود برای اقدام علیه حکومت شاه (جلد ۲۰ اسناد سفارت آمریکا).

**معلوم تبعی هفتم :**

بختیار از آمریکا خواسته است که از شاهنشاه حمایت نکند (جلد بیستم اسناد سفارت)

**معلوم تبعی آخر - اعتراف صریح بختیار**

اعتراف صریح و آشکار بختیار که پشتوانه نتیجه گیری این تحریراست چنین میباشد:

شاه نمیخواست از ایران بیرون برود - من برای عزیمت شاه به خارج پافشاری کردم - باید یا شاه میماند و ارتش هم یکپارچه میماند. ارتش فقط به شاه وابسته بود - در صورت یکپارچگی ارتش کشتار میشد. آنقدر که توانستم جلوی ارتش را گرفتم (بختیار در مصاحبه در باشگاه مطبوعات پاریس سپتامبر ۱۹۷۹)

**از معلومات به مجهولات**

- ۱- شرط خروج شاه ازکشور ازسوی بختیار با قصد کامل واستفاده از موقعیت واجرای سیاست خارجی بوده است.
- ۲- پیشنهاد نخست وزیری بختیار که دلایل در دست نشان میدهد که پیشنهاد نخست وزیری بختیار از سوی علیاحضرت هم تائید و پشتیبانی میگردد یک امر سرخود نبوده و درارتباط با سیاست انگلیس بوده است.
- ۳- طراح ومجری طرح خروج شاهنشاه ازکشوردولت انگلستان بوده است و کاراصرار و لجاجت انگلستان در اجرای این طرح از آنجا معلوم و آشکار است که انگلستان، از بختیار تضمین خواسته که اولاً شاه را به خارج از کشور اعزام وثانیا تعهد کند که شاه برنگردد.
- ۴- انگلستان، براون، یکی از مامورین متخصص در برپائی شورشهای منطقه ای خود را به ایران اعزام تادرمعیبت مامور دیگر خود شاپور بختیار طرح خروج شاه را به اجرا بگذارد.
- ۵- بختیار، طرح خروج شاهنشاه ازکشور را به اجرا گذاشت وتضمین کافی هم داد که شاه هرگز بازنگردد.

(اظهارات بختیار در باشگاه مطبوعات فرانسه با <نویل کوپن>)

- ۶- طرح خروج شاه ازکشور ایدا طرح بختیار نبود بختیار فقط یک مجری بود دلیل این امر این است که کسی که طرحی را تدارک میبندد مسلما از عواقب آن آگاه است ولی آنکه مامور اجراست آگاه نیست.

بختیار در مصاحبه مورخ ۲۵ دیماه یعنی قبل از خروج شاه ازکشور پروژنامه اطلاعات گفته است:

«نمیدانم بعد از رفتن شاه چه خواهد شد» (نقل از کتاب بختیار صفحه ۶۶)

اظهارات بختیار کاشف است از اینکه ایشان یک مامور نوکر بی اراده ای بوده که جزاطاعت کورکورانه وظیفه دیگری برای خودنمیشناخته وگرنه چگونه ممکن است نخست وزیری با آنهمه اصرار و شرط و بیع بخواد که شاه کشور را ترک کند ولی خودش نداند که بعد از رفتن شاه چه خواهد شد.

### خائن را باید شناخت

بندرت دیده شده است که خائنی اقرار به خیانت کند. باید خائن را شناخت. در این مهم نخستین کسی که انسان کنجکاو را یاری میدهد خود خائن است.

بدانید و میدانیم که عامل اساسی سقوط ایران، اجرای طرح خروج شاهنشاه از کشور بود و یقین کنید که این طرح توسط انگلیس برای پیروزی شورشیان مذهبی تهیه و شخص بخیار مجری و مامور اجرای آن بوده است.

فنها که شورش ننگین ۷۵ انقلاب میدانند و میگویند ملت شاه را بیرون کرد، صدای انگلیس را که گفت شاه باید برود و بختیار هم تعهد کند که شاه برنگردد بیاد بیاورند و شرم کنند.